



امامت، حقیقتی الهی است که از تاریخ و جغرافیا فراتر می‌رود

یک مفسر قرآن و نهج‌البلاغه، در ادامه سلسله جلسات اخلاق نهج‌البلاغه، با تأکید بر اینکه امامت نه انتخاب بشری، بلکه اراده الهی است، به تحلیل جایگاه انسان در کلام حضرت علی(ع) پرداخت.

یک مفسر قرآن و نهج‌البلاغه، در ادامه سلسله جلسات اخلاق نهج‌البلاغه، با تأکید بر اینکه امامت نه انتخاب بشری، بلکه اراده الهی است، به تحلیل جایگاه انسان در کلام حضرت علی(ع) پرداخت.

به گزارش ایکن، آیت‌الله العظمی جوادی آملی؛ مفسر قرآن و نهج‌البلاغه، هشتم بهمن ماه در ادامه سلسله جلسات درس اخلاق نهج‌البلاغه مسجد اعظم قم با اشاره به اینکه انتخاب امام از جانب مردم نیست، توضیح داد، در ادامه گزیده ای از سخنان این مرجع تقلید را با هم می‌خوانیم:

«خلیفه» کسی است که سخن کسی که جای او قرار دارد را می‌گوید و قوانین الهی را اجرا می‌کند. پیامبر و امام، خلیفه الله هستند و مردم را به یاد مرگ و سفر به جهان دیگر دعوت می‌کنند. چه می‌دانیم که پس از مرگ چه رخ خواهد داد، مگر آنکه پیامبر و امام به ما خبر دهند.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «حواس شما جمع باشد؛ نه به گذشته می‌نگرید و نه به آینده، بلکه از زمان و مکان برمی‌خیزید.» زمانی که انسان رحلت می‌کند، وارد سرزمین ابدی می‌شود، چه در روز باشد، چه شب، چه در روستا یا شهر؛ مرگ یعنی خروج از تاریخ. به همین دلیل حضرت علی(ع) فرمودند: «ای کسانی که در این دنیا سفر می‌کنید، برای شما به اندازه یک لحظه ماندگاری است.»

بنابراین، چون ما خبری از ابدیت و بعد از مرگ نداریم، باید به سخنان انبیاء و اولیاء گوش فرا دهیم که از این موضوع آگاه هستند. ما سفری بزرگ پیش رو داریم و نمی‌توانیم بدون توشه ای برای این سفر روانه شویم.

امام معاذالله نمی‌تواند هیچ سخنی از روی میل و هوس خود بگوید؛ چرا که امام خلیفه الله است و خلیفه باید سخن کسانی که او را منصوب کرده اند را بیان کند. ما نیز وقتی شاگرد خلیفه الله هستیم، باید دستورات او را رعایت و پیروی کنیم.

مقام انسان و جایگاه او بی‌نظیر است. نهایت بزرگ منشی و جلالت، از سوی خداوند به بندگان داده شده است. هیچ کس انسان را به اندازه خداوند محترم نداشته است. قرآن کریم می‌فرماید: «مِثْلَ آبِیْکُمْ اِبرَاهِیْمَ ۚ هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِیْنَ مِنْ قَبْلُ»، یعنی شما پیامبرزادگان و آقازادگان هستید. آیا احترام و عزتی بیشتر از این برای انسان ممکن است؟ چرا باید حرمت خود را نادیده بگیریم؟ آیا عزت و بزرگ منشی از این بالاتر هم ممکن است؟

نظام ما نظام امامت و امت است و هر کسی نمی‌تواند ادعا کند که امام مردم است؛ این مسئولیت باید از سوی خداوند انتخاب شود. حتی زمانی که حضرت ابراهیم(ع) از خداوند خواست تا ذریه اش نیز امام باشند، خداوند پاسخ داد: «عهد من به ظالمین نمی‌رسد.»

کسی که می‌خواهد حکیم، معلم یا دانشمند شود، این امر با کسب علم ممکن است، اما امامت و خلافت الهی این گونه نیست؛ انتخاب امام تنها به اراده الهی بستگی دارد.

حضرت امیر(ع) فرمودند که شما می‌توانید صاحب دل و شاگرد ائمه(ع) باشید و نسبت به بدن خود امام باشید. قلب انسان باید امام چشم، گوش و دست او باشد و هیچ گاه بدون اذن قلب، اقدام نکند. اگر قلب انسان امام باشد، او نه سخن بی‌جایی خواهد گفت و نه سخن بی‌جایی خواهد شنید.

تفاوت نظام امامت و امت با حوزه و دانشگاه

نظام ما نظام «امامت و امت» است و با نظام حوزه و دانشگاه تفاوت دارد، کار حوزه علمی است و بزرگان، مؤلفان و استادان ما در حوزه ما را تربیت کرده اند؛ وظیفه مراجع و علمای حوزه چهل زدایی است. کار دانشگاه نیز این است که فرد جاهل را عالم کند و مسجد، حسینی و دیگر مراکز دینی نیز به مبارزه با جهالت و ترویج اخلاق می‌پردازند. اما کار امامت نه چهل زدایی است، نه

جهالت زدایی، بلکه امامت، «جاهلیت زدایی» می کند.

اعجاز از سنخ علوم نیست و نیازمند اراده قوی الهی است. کسی نمی تواند با درس حوزه و دانشگاه معجزه کند، زیرا معجزه از جنس علم نیست و تعیین امام و امامت نیز بر عهده خداوند است.

در ماه مبارک رمضان انسان با مزه کردن دهان، بدون آنکه غذا بخورد، می تواند بفهمد که غذا شور است یا نه. حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند که باید خواب غفلت را در چشمتان مزه کنید، یعنی به خواب غفلت نروید و از آن اجتناب کنید.

غفلت از دشمن جایز نیست

در برابر اسرائیلی که در کمین ما نشسته است و کشور را با آشوب و گروه های تکفیری به این شکل درمی آورد، مسئولان ما تنها حق دارند خواب خود را مزه کنند؛ خواب سیاسی و بی اطلاعی را در حد مزه کردن تجربه کنند و از کشور و مملکت غافل نشوند.

حضرت امیر(ع) فرمودند که قلب و عقل شما باید امام شما باشد و اگر غفلتی هم می کنید، باید در حد قرقره کردن و مزه کردن باشد.

انسان می تواند خلیفه الله و امام شود، امام باید کار دستوردهنده را انجام دهد، یعنی از شریعت فاصله نگیرد. همه ما نسبت به بدن و اعمال و امور خانوادگی موظفیم که خلیفه باشیم و باید دست، پا و گوشمان را امام کنیم وگرنه همه این اعضا علیه ما شهادت خواهند داد.

دستی که زیرمیزی و رومیزی گرفت و درگیر اختلاس و فساد شد، همان دست علیه فرد شهادت خواهد داد؛ دست در اینجا بیگانه است و اصل خود انسان است که مرتکب این کارها شده است. زبانی که غیبت کرد نیز شهادت علیه خود فرد خواهد داد.

همان طور که دست و پا خسته می شوند، دل نیز ملول می شود. دل را باید با قرآن، دعا، نماز شب و مناجات شعبانیه نورانی کنیم، زیرا همه این ادعیه و آیات، نور هستند.

اگر بخواهیم انسان و ادب شویم، راه برای ما باز است، انسان در مسیر پیامبر و امام اگر از هر راهی برود، به بهشت می رسد.

ما نسبت به مردم و نظام بدهکار هستیم. باید کاری کنیم که کسی مشکلی نداشته باشد و داعشی به این سرزمین نیاید تا کشور را به امام زمان(عج) تحویل دهیم.